

حقوق بشر گفتمان مسلط جهانی سازی و فمینیسم

رکسانا بهرامی تاش *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

DOI: 10.22096/hr.2020.121765.1205

چکیده

فشار فزاینده ای از جانب ایالات متحده از طریق سازمان ملل برای اتخاذ تحریم های اقتصادی و سیاسی بر علیه ایران وجود دارد. کانون این تلاشها، مسائلی همچون پیشینه حقوق بشر و حقوق زنان در ایران است. هر چند که بی تردید نقص حقوق بشر در ایران رخ می دهد، آنچه محور این مقاله قرار گرفته است، شرایطی است که در آن بحث های حقوق بشر در سطح بین المللی زمینه سازی می شود. این مقاله حاکی از این است که این بحث ها در درون يك گفتمان مسلط رخ می دهد که توسط انگلیس و آمریکا القا می گردد و بنابر این منافع آنها را دنبال می کند. این مقاله به بحث در این مورد می پردازد که چگونه حقوق خاصی در مقابل حقوق دیگر و به طریقی برجسته می شود که استیلا و قدرت مسلط در حوزه سیاست و اقتصاد را تقویت نماید. مثال هایی ذکر خواهد شد از اینکه چگونه ابر قدرت اقتصادی وسوء استفاده آن از حقوق بشر، فعالیتهای شرکتهای چند ملیتی را تضعیف کرده است و از سیاستهای اقتصادی واشنگتن که مورد بازخواست قرار نمی گیرد. مثال دیگری ذکر خواهد شد از اینکه چگونه [بحث] حقوق زنان که فمینیسم لیبرال غربی پیشاهنگ آن بود، از نو، برای پیشبرد برنامه استیلا مورد توجه و بزرگداشت قرار می گیرد. از لحاظ نظری این مقاله مبتنی بر مفهوم استیلا (Hegemony) از آنتونیو گرامشی و مفاهیم «گفتمان حقیقی» و «برتری موضع» از میشل فوکو است (اسمیت، ۱۹۸۹، بهرامی تاش، ۲۰۰۵) گرامشی نشان می دهد که دانش استیلابی يك نظام فکری است که در گذر زمان شکل می گیرد. این نظام نماینده منافع طبقه غالب است

* دانشجوی پسا دکتری در دانشگاه کنکور دیا، مونترال، کانادا.

که از عهده جهانی ساختن باورها و نظام های ارزشی خود بر می آید (۱۹۷۱). این باورها توسط نخبگان فکری، روشنفکران «سازمانی» طبقه غالب، شکل دهی و باز آفرینی می شود، و ساختارهای کنترلی را بوجود می آورد که از طریق «جامعه مدنی» نه دولت، تحمیل می گردد. در مورد حقوق بشر، ایدئولوژی غالب جهان غرب از طریق نهاد هایی مستقل از حکومت های سلطه، همچون شورای امنیت سازمان ملل پیاده می شود. تحلیل گرامشی از سلطه را می توان با تحلیل فوکو کامل نمود که به نحوه شکل دهی يك «حقیقت» جهانی درباره کشورهای ناقض حقوق بشر در مقابل کشورهای مدافع حقوق بشر بر طبق ساختار اجتماعی روابط قدرت می پردازد. مقصود فوکو از مفهوم «گفتمان حقیقی» (۱۹۷۱)، گفتمانی است که در قبال سایر برداشت ها از واقعیت، محدود کننده و انحصار طلب است. چنین گفتمانی شامل مفاهیمی است که می تواند به درک چگونگی اعمال شدن اشکال مختلف قدرت کمک نماید. این است که کشورهای معدودی شورای امنیت را تشکیل می دهند، به تصمیم گیری در مورد نصف جهان می پردازند، و تصمیم هایشان به گونه ای است که از منافع سلطه محافظت می نماید. اعضای شورای امنیت خود به روش دموکراتیک انتخاب نمی شوند و مسئله عضویت دائم خود نشان دهنده این است که ساختار قدرت جهانی چگونه باز پرورده می شود و چگونه قادر است برنامه اش را از طریق نهاد بین المللی ظاهراً بی طرف و مستقلی همچون سازمان ملل تحمیل نماید. در بخش نخست این مقاله، مورد عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد تا روشن شود که چگونه مسئله حقوق بشر طی بیش از يك دهه تحریم های اقتصادی بازیچه قرار گرفت. واژگان کلیدی: حقوق بشر؛ جهانی سازی؛ فمینیسم؛ شرکت های چند ملیتی.

مقدمه

از لحاظ نظری این مقاله مبتنی بر که مفهوم استیلا (Hegemony) از اتونوگرامشی^۱ و مفاهیم «گفتمان حقیقی» (True Discourse) و «برتری موضع» (Positional Superiority) از میشل فوکو است (اسمیت، ۱۹۸۹؛ بهرامی تاش، ۲۰۰۵). گرامشی نشان می دهد که دانش استیلابی يك نظام فکری است که در زمان شکل می گیرد، این نظام نماینده منافع طبقه غالب است که از عهده جهانی ساختن باورها و نظام های ارزشی خود بر می آید (۱۹۷۱). این باورها توسط نخبگان فکری، روشنفکران «سازمانی» (Organic Intellectual) طبقه غالب، شکل دهی و ساختارهای کنترلی را به وجود می آورد که از طریق «جامعه مدنی»، نه دولت، تحمیل می گردد. در مورد حقوق بشر، ایدئولوژی غالب جهان غرب از طریق نهادهایی از حکومت های سلطه، همچون شورای امنیت سازمان ملل پیاده می شود. تحلیل گرامشی از سلطه را می توان با تحلیل فوکو کامل نمود که به نحوه شکل دهی يك «حقیقت» جهانی درباره کشورهای ناقض حقوق بشر در مقابل کشورهای مدافع حقوق بشر بر طبق ساختار اجتماعی روابط قدرت می پردازد. مفهوم فوکو از مفهوم «گفتمان حقیقی» (۱۹۷۱)، گفتمانی است که در قبال سایر برداشت ها از واقعیت، منحود کننده و انحصار طلب است. چنین گفتمانی شامل مفاهیمی است که می تواند که به چگونگی اعمال شدن اشکال مختلف قدرت کمک نماید. این است که کشورهای معدودی شورای امنیت را تشکیل می دهند به تصمیم گیری در مورد نصف جهان می پردازند و تصمیم هایشان به گونه ای است که از منافع سلطه محافظت می نماید. اعضای شورای امنیت خود به روش دموکراتیک انتخاب نمی شود و مسئله عضویت دائم خود نشان دهنده این است که ساختار قدرت جهانی چگونه باز پرورده می شود و چگونه قادر است برنامه اش را از طریق نهاد بین المللی ظاهراً بی طرف و مستقلی همچون سازمان ملل تحمیل نماید.

در بخش نخست این مقاله مورد عراق مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد تا روشن شود چگونه مسئله حقوق بشر طی بیش از يك دهه تحریم های اقتصادی بازیچه قرار گرفت.

نقض حقوق بشر در عراق

شاید هیچ نتواند مثل آنچه در عراق رخ داد، ماهیت مشکل دار گفتمان بین المللی حقوق بشر را

۱. اتونوگرامشی (۱۹۳۷-۱۸۹۱)

بیان کند. غیر از اینکه عراق هم اکنون در آغاز يك جنگ نظامی است، دلایل بسیار دیگری وجود دارد که به بررسی وضعیت این کشور پرداخته شود. عراق در کنار ایران به عنوان عضوی از محور شرارت نامیده شد و در فهرست اهداف حکومت نئومحافظه کاران قرار گرفته است. بنابراین شایسته است به بازنگری سیر وقایعی بپردازیم که قبل از هجوم آمریکا اتفاق افتاد.

پس از تجاوز صدام حسین به کویت، در آگوست ۱۹۹۰ شورای امنیت سازمان ملل گسترده ترین تحریم های اقتصادی را در تاریخ وضع نمود. در هشت ماه نخست این تحریم ها از رسیدن دارو و غذا به مردم عراق ممانعت به عمل آمد. گر چه این منع ابتدایی دارو و غذا [بعداً] برداشته شد، تحریم ها همچنان با شدت ادامه یافت و فاجعه انسانی بزرگی را بوجود آورد. در طول دوره اعمال تحریم ها، شمار افرادی که در نتیجه آن مردند، بیش از شمار مجموع [کشته شده های] دو بمبی بود که در جنگ جهانی دوم در ژاپن انداخته شد. از جمله این مرگ و میرها، نیم میلیون کودک است، هر ماه در نتیجه تحریم ها بیش از ۴۰۰۰ کودک مردند که ۴۰۰۰ نفر بیش از میزان آن قبل از تحریم هاست، چرا که قبل از تحریم میزان مرگ میر کودکان بسیار پایین بود.

بخاطر آثار مصیبت بار تحریم ها، در ۱۹۹۰ برنامه نفت در برابر غذا جایگزین تحریم ها شد که به معنای مبادله نفت و در قبال دارو بود. بر اساس این برنامه شورای امنیت کمیته ویژه ای برای نظارت بر انتقال مواد مجاز به عراق تشکیل داد. اما این کمیته تحت نفوذ انگلیس و آمریکا موضع بسیار بی رحمانه ای بر علیه آن کشور اتخاذ کرد. تحویل دارو خصوصاً داروهای [ضد] سرطان و داروهای ساده ای همچون مرفین با ممانعت یا تاخیر مواجه می شد. عدم دستیابی به موقع به این داروهای حیاتی مصیبت بزرگی بود، چون سرطان در کشور در حال افزایش بود. میلیونها اورانیوم ضعیف شده که توسط آمریکا و انگلیس در طول جنگ خلیج به جا ماند، و پس از جنگ پاکسازی نشده بود، موجب بی سابقه سرطان شد و عدم موفقیت در درمان سرطان یکی از علل عمده مرگ و میر شهروندان عراقی خصوصاً کودکان بود. این کمیته ویژه همچنان به تاخیر انداختن و توقیف تجهیزات و تکنولوژی های اساسی همچون تجهیزات اشعه X، تجهیزات و حتی صابون و واکس ادامه دارد. این اقدام با تأخیر ممانعت مواجه می شد (پیلگر ۲۰۰۱). همه این کارها به بهانه بازداشتن عراق از توسعه تسلیحات کشتار جمعی WMD انجام شد.

تحریم هایی که بر ضد عراق اعمال شد از هیچ منطقی پیروی نمی کرد، چنانکه جلسه شورای امنیت بسیار غیر انسانی [خود] در عراق را تداوم بخشید. بسیاری از مأموران سازمان ملل حد و

حصر خشن تحریم ها و تحریم ها و نقض حقوق بشر استعفا دادند. در ۱۹۹۸ دنیس هالیدی استعفا نمود چون این را جنگی می دانست که علیه شهروندان عراقی و به مراتب شدیدتر علیه کودکان می دانست. دیگر چهره برجسته سازمان ملل، مشاور ارشد هماهنگ کننده در سازمان ملل در عراق از هالیدی تبعیت نمود. این استعفاها در مقابل چیزی بود که برخی آن را نسل کشی آمریکا و انگلیس از طریق شورای امنیت در عراق نامیدند. وقتی از مالمدین آلبرایت، وزیر خارجه دولت کلینتون پرسیده شد که آیا تحریم اقتصادی عراق که موجب مرگ نیم میلیون نفر شده است، سیاست عاقلانه ای است، وی در پاسخ اظهار داشت که «ما فکر می کنیم ارزش دادن این تاوان را دارد» چون عراق رهبر خطرناکی دارد.

جالب آنکه نگرانی مربوط به تسلیحات کشتار جمعی را که نهایتاً بهانه شد برای حمله آمریکا به عراق، در اصل خود آمریکا و انگلیس برای این کشور تدارک دیده بودند. در دهه ۱۹۶۰ بود که در بی کودتای طراحی شده از سوی سیا، حزب بعث و نهایتاً صدام حسین به قدرت رسید. چنانکه جان پیلگر (John Pilger) خاطر نشان می کند، یک عضو سیا گفته است «ما می دانیم که او (صدام حسین) فرزند یک پتیاره است، اما او فرزند ما از یک پتیاره است» (پیلگر، ۲۰۰۱). در اوایل دهه ۱۹۸۰ آمریکای تحت ریاست ریگان و انگلیس تحت حکومت تاچر وام ها و کمک هایی در اختیار صدام قرار دادند تا به کسب نیرو برای حمله به ایران و سرکوب دشمنان داخلی اش همچون کردها بپردازد.

اکنون پس از تجاوز به این کشور و پیدا نشدن تسلیحات کشتار جمعی در آن، عراق همچنان تحت اشغال، و آینده آن نامعلوم است. نقض حقوق بشر همچنان اتفاق می افتد. ۴۰۰۰ عکس که از زندان ابوغریب گرفته شده است وجود دارد، ولی این امر موجب صدور هیچ قطعنامه ای از سوی شورای امنیت بر علیه آمریکا نشد، و تنها باعث یک معذرت خواهی از مردم عراق گردید. دامنه تراژدی ابوغریب حتی برای افکار عمومی در آمریکا نی فاش نشده است، چه رسد به نقاط دیگر جهان.

جهانی سازی و نقض حقوق بشر

گفتمان حقوق بشر، همانگونه که وقایع جاری در عراق را مورد بی اعتنایی قرار داده است، آنچه نظم جهانی اقتصاد بین الملل دارد بر سر جهان و محیط زیست می آورد نیز برخورد انکار گونه ای دارد. در حقیقت بسیاری از قدرتمندترین نهادهای کنترل اقتصاد جهانی، همچون بانک

جهانی، صندوق بین المللی پول، وسازمان تجارت جهانی، هیچ توجهی به مسئله حقوق اقتصادی و فقر ندارد. در ۱۹۴۴ نماینده های ۴۴ دولت برای باز سازی اروپای جنگ زده و طراحی آینده اقتصاد جهانی در برتون وود (Breton Wood) گرد هم آمدند. یکی از اهداف این نشست، ایجاد نظام مبادله پولی با دلار تثبیت شده به عنوان پول غالب بین المللی بود. این موقعیت، نقطه آغاز ایجاد موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت GATT، بانک بین المللی بازسازی و توسعه، و صندوق بین المللی پول IMF شد. این نهادها به ابزاری تبدیل شدند که از طریق آن می بایست نسخه های واشنگتن برای توسعه جهان سوم تحمیل گردد.

اکنون پس از گذشت بیش از نیم دهه از نظام مالی جهانی برتون وود طراحی شد، ما شاهد جهش بزرگی در کالاهای مصرفی و افزایش عظیم درآمد و ثروت که در تاریخ جهان بی سابقه است هستیم. این افزایش، با افزایش گسترده فقر و نابرابری درآمد در جهان همزمان بوده است هم اکنون بیش از نیمی از صد اقتصاد بزرگ دنیا کشور نیستند، شرکت اند؛ [شرکت] وال مارت (Wal-Mart) از ۱۶۱ کشور بزرگ تر است. میتسویسیشی از چهارمین ملت پر جمعیت جهان، اندونزی، بزرگتر است. جنرال موتورز از دانمارک بزرگتر است. تویوتا از نروژ بزرگتر است. سر جمع فروش ۲۰۰ شرکت جهان، بیشتر از یک چهارم فعالیت اقتصادی جهان است. نظام کنونی اقتصاد جهانی بی عدالتی گسترده ای را بوجود آورده است.، از ۱۹۵۰ تاکنون جمع ارزش دلاری اقتصاد جهانی پنج برابر شده، و با این حال شمار مردمی که در فقر مطلق به سر می برند دو برابر گردیده است. سه نفر از ثروتمند اول این سیاره از ۴۸ کشوری که درصد کشورهای فقیر هستند، ثروتمندتراند. از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۸ جمع ثروت ۲۰۰ نفر ثروتمندترین های جهان بیش از دو برابر شده است. در حال حاضر حدود ۳ میلیارد نفر، نصف جمعیت جهان با کمتر از یک دلار در روز زندگی می کنند که بیسشتر آنها زنان و کودکان هستند (گزارش توسعه انسانی، ۱۹۹۹).

جهان سوم تحت تاثیر مالی اقتصاد جهانی گرفتار بدهی های سنگینی شده است. نسخه واشنگتن برای توسعه به معنای این بود که بسیاری کشورها کمکی را دریافت کنند که قادر به باز پرداخت آن نبودند. مجموع بدهی کشورهای فقیر به حدی رسیده است که در ۱۹۹۹ به ۳ میلیارد دلار رسیده بود. در دهه ۱۹۹۰ تنها کشورهای فقیر ۷۷ میلیارد دلار بخاطر بهره کمک ها بیش از وام ها و کمک هایی که تازه به آنها داده شد، پرداخت کردند. سیاست های تعدیل ساختاری SAPs به اسم توسعه، بساری از دولت های ملی را وادار کردند که محدودیت های اقتصادی را بر مردم خود

تحویل کنند و رفاه و خدمات اجتماعی را کاهش دهند (بهرامی تاش، ۲۰۰۵). این کمک ها غالباً به رهبران فاسد این کشورها که مورد حمایت آمریکا و انگلیس بودند داده شد که بیشتر آنها باز در آمریکا یا انگلیس سرمایه گذاری کردند. شیلی نمونه واضحی است که یک کودتا با طراحی سیا توانست ژنرالی را در آنجا به قدرت برساند که همچنان مورد انزجار این کشور بود.

میلیونها نفر از گرسنگی می میرند. روزانه ۳۰۰۰۰ نفر بخاطر بیماری های قابل پیشگیری از بین می روند. انسانهای زیادی به خاطر عدم دسترسی به آب سالم جان می دهند. شکاف بین فقیر و ثروتمند هم داخل کشورها و هم بین کشورها رو به افزایش است. با این حال این نرخ افزایش بی سابقه فقر جهانی خارج از حوزه نگرانی حقوق بشر است. همراه با رشد عظیم اقتصادی، تخریب گسترده محیط زیست، نسل آینده ما را از دستیابی به هوا و آب سالم محروم می کند. فقر و تخریب محیط زیست موجب مرگ می شود و قتل نقض حقوق بشر است اما شیوه عملکرد نظام اقتصاد جهانی هیچگاه جزء نگرانی های هیچ سازمان بین المللی قرار نمی گیرد. قدرت سلطه همچنان بر اینکه چه چیزی به عنوان مسئله مورد توجه مطرح شود تسلط دارد و مسائل دیگر پیوسته در سایه قرار دارد.

فمینیسم و دفع همه اشکال تبعیض

نخستی بار پس از جنگ جهانی دوم که مسائل زنان به صورت عمومی مطرح شد، و در سطح بین المللی جلب توجه کرد وقتی بود که در ۱۹۶۲، مجمع عمومی سازمان ملل، کمیسیون زنان را (که به عنوان کمیته فرعی کمیسیون حقوق بشر در ۱۹۴۶ تشکیل شده بود) مامور تهیه گزارشی از نقش زنان در برنامه های اجتماعی و توسعه ای برای دولت های عضو کرد. از آن زمان آگاهی از مسائل جنسیتی در سراسر جهان شتاب گرفت. همزمان، بسیاری از محققان زن که شمار زیادی از آنها مردم شناس بودند، از طریق کار میدانی خود به درک گسترده ای از واقعیت های زندگی بسیاری از زنان در سراسر جهان دست یافته بودند. از این رو بسیاری از زنان در سه سطح مختلف- سیاستگذاری، عملگرایی سیاسی، و مجاهدت علمی در صدد فهم پیامدهای منفی روند غالب اقتصاد توسعه ای برای زنان برآمدند.^۱

گرچه شکی نیست که مسئله فقر زنان موضوع مهم و حساس است و ۷۰٪ کسانی که با يك دلار

۱. نک: خالدین و خالدین، ۲۰۰۳؛ پارپارت و دیگران، ۲۰۰۳.

در روز زندگی می کنند، زنان هستند، زمینه ای مسئله حقوق زنان و خصوصاً حقوق اقتصادی آنان در آن مطرح می شود، همچنان درون گفتمان سلطه موجود است. برخی از کشورها همچون ایران تحت فشار قرار می گیرند تا به عضویت کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان CEDAW در یابند آمریکا همچنان از امضای این سند خودداری می کند. آمریکا به خاطر امتناع از پرداخت دستمزد مساوی برای کار مساوی به زنان، این سند را امضاء نمی کند. با این حال هیچ بحث یا فشار بین المللی در مورد امضای این عهدنامه بر علیه آمریکا وجود ندارد. کنوانسیون حقوق کودک به تصویب همه کشورها غیر از دو کشور (آمریکا و سومالی) رسیده است.

جالب اینکه اخیراً يك گروه ضد فمینیستی که در واشنگتن مستقر است، تریون بین المللی زنان IWF، ۱۰ میلیون دلار برای به راه انداختن دموکراسی برای زنان در عراق دریافت نموده است. در رأس این سازمان، همسر مایکل لدن (Michael Ledden) و همسر يك چینی قرار دارد. این سازمان هیچ تجربه بین المللی نداشته است و در ۱۹۹۱ توسط تعدادی از جمهوری خواهان سرشناس جناح راست پایه گذاری شد. این تلاش بود برای مقابله با تأثیر فمینیست های افراطی که طرفدار صلح بودند، از قبیل سازمان مللی زنان NOW، گروههایی از عامه مردم و دارای حدود ۵۰۰۰۰۰ عضو مشترك در سطح ملی است.

دولت موقت عراق همچون افغانستان CEDAW را تصویب کرده است و قرار است در پرتو سازمان های اغلب جناح راستی آمریکا، در زمینه مسائل حقوق زنان پیشرفت داشته باشد. باز این گفتمان حقوق زنان است که جالب است، و اینکه چگونه قدرت سلطه از عهده کنترل فمینیسم بین المللی که از نظر فتی (حقوقی) ضد سلطه است بر آمده است.

به گفتمان سلطه در مورد حقوق بشر اشاره کردیم، ولی این اهمیت مسئله عضویت ایران در CEDAW نمی کاهد. در وضعیت ردّ امضای آن، جامعه بین الملل نقطه بسیار برای تمرکز در اختیار دارد، اما امضای آن باعث خواهد شد ایران به عنوان يك محور شرارت از کانون توجه کنار برود. این مخصوصاً به این دلیل دارای اهمیت است که کشوری همچون عربستان این سند را امضاء کرده است و در این موقعیت، و عدم تصویب آن از سوی ایران فرصتی فراهم می کند برای آنهایی که می خواهند ایران را منزوی کنند، از این مسئله به سود خود بهره برداری کنند.

مقاومت کنونی در برابر مسئله حقوق زنان، ریشه در گفتمان بین المللی سلطه در مورد حقوق دارد و ایران با امضای این موافقت نامه می تواند با پذیرفتن این سند که بر اساس روح عدالت نگاشته

حقوق بشر گفتمان مسلط جهانی سازی و فمینیسم... / بهرامی ۲۱۱

شده است، بر گفتمان غالب فائق آید. مسلمانان از لحاظ تاریخی دارای پیشینه عدالت اجتماعی بوده اند و پذیرفتن این موافقت نامه خارج شدن از يك سنت دیرینه است. امضای این سند نشانه ضعف نیست، بلکه نشانه اعتماد به نفس باور به روح عدالت جهانی است.

حقوق اقتصادی، حقوق زنان و حقوق زیست محیطی مسائل اضطراری نظم جهانی کنونی اند و امضای C E W D A (کنوانسیون رفع همه اشکال تبعیض علیه زنان) یا دیگر اسناد بین المللی نقش مؤثر تری را برای ایران در عرصه بین المللی به ارمغان خواهد آورد. دلیلی ندارد که ایران به جای منزوی شدن، با تأکید بر حقوق دیگر همچون حقوق اقتصادی و محیط زیست، گفتمان کنونی سلطه را به چالش نکشد.

کتابنامه

- Gramsci, Anthony (1971). *Selections from the Prison Notebook*, Quinton Hoare and Geoffrey Nowell-Smith (eds.), New York: International Publishers.
- Smart, B. (1989). "The Politics of Truth and the Problem of Hegemony", in David
- Couzenshoy (ed.) *Foucault: A critical Reader*. New York: Basil Blackwell.
- Bahramitsh, Roksana (2005). "The War on Terror and Orientalism Feminism: Case Studies of Two North American Best Sellers", *The Critique: Journal of Middle Eastern Studies*, Vol. 15, No. 1.
- World Development Report (1999). *Globalization with a Human Face*, New York: the United Nation.
- Bahramitsh, Roksana (2005). *Liberation from Liberalization: Gender and Globalization in Southeast Asia*, London: Zed Books.
- Beneria, Lourdes (2003). *Gender, Development and Globalization*, London: Routledge.
- Kabeer, Naila and Ramya Subrahmanian (eds.) (1999). 'Introduction', *Institutions, Relations and Outcomes*, London: Zed Books.
- Khalideen, R. and N. Khalideen (2003). "Caribbean women in globalization and economic restructuring", *Canadian Women Studies*, Vol. XXI / XXII, No. 4/1.
- Parpart, Jane, Shirin M.Rai and Kathleen Staudt (2003). *Rethinking Empowerment: Gender and Development in a Global/Local World*, London: Routledge.